



به مناسبت ولادت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

میدانیم که خداوند دارای صفات حمیده و اسماء پسندیده ای است چنانکه میفرماید و لله الاسماء الحسنى و شکی نیست که این صفات غیر از خدا بوده و مخلوق او میباشند چنانکه امام رضا علیه السلام میفرماید لم یزل الله وحده لا شیء معه ثم خلق الاسماء بدیعا و اختار لنفسه الاسماء، (موضوع بحث ما اثبات این سخن نیست و بقدر کافی پیش از این به ادله این سخن پرداخته ایم) و مشخص است که در بین مخلوقات، بالاتر و اشرف از صفات خداوند نخواهد بود چراکه سایر مخلوقات توسط آن اسماء و صفات ظهور میابند و لامحاله مخلوق ثانی میباشند و تنها مخلوق اول است که مختص خداست، چنانکه میفرماید سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ وَ سَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ.

در آیه شریفه میبینیم که خداوند در فقره اول جمیع اسافل را نفی میفرماید اما در فقره آخر حمد را از آن خود میداند چرا که او اول و اشرف است و همه فیوضات کونیه و شرعیه به واسطه آن حمد به سایر مخلوقات میرسد و چون سایر خلق از خداوند خبر ندارند مگر به اخبار و واسطه او، پس لابد است که نبی الله باشد و سایر انبیاء الله از شعاع اویند.

بعد از دانستن مطالب فوق عرض میکنم که چون هر باطنی ظهوری داشته و هر ظهوری مطابق باطن است چنانکه خداوند میفرماید مَا تَرَى فِي خَلْقِ الرَّحْمَنِ مِنْ تَفَؤُوتٍ و امام رضا علیه السلام میفرماید قَدْ

عَلِمَ ذَوُو الْأَبَابِ أَنَّ الْإِسْتِدْلَالَ عَلَى مَا هُنَاكَ لَا يَكُونُ إِلَّا بِمَا هَاهُنَا پس اول ما خلق الله که حمد است، در دنیا به همان نام ظاهر شد، به همراه میمی در ابتدائش که دلالت بر مبدأ او داشته باشد، چنانکه مفضل بن عمر جعفی از امام صادق علیه السلام پرسید یا مولای فما باطن المیم؟ حضرت فرمودند: نور الذات ، وهو أول الكون ، ومبدء الخلق ، ومكون لكل مخلوق، ومتصل بالنور ، منفصل لمشاهدة الظهور ، إن بعد فقريب وإن نأى فمجيب، وهو الواحد الذي أبدأه الأحد من نوره.

پس از آن که مشخص شد نام شریف آن حضرت بایست محمد (صلی الله علیه و آله) باشد، عرض میکنم که هر چیزی به حسب خود ماده و صورتی دارد.

ماده فاعلیت داشته و جهت من رب است که حیث نورانیت و عبودیت برای خداوند را داراست، و صورت قابلیت داشته و جهت من نفس و انیت است که بر خلاف کینونت خدا بوده و شیطان هر کسی است، مگر اول ما خلق الله حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله که جهت انیت آن حضرت اسلام آورده بوده و آمنه بود، چنانکه خود میفرماید شیطانی أسلم بیدی او ایمن بیدی.

بنابراین در ظهور آن حضرت در این دنیا نیز بایست که نام پدر ایشان عبدالله باشد، چرا که پدر جهت ماده بوده و حامل نطفه ای است که ماده انسان مییابد چنانکه خداوند میفرماید مِنْ نُطْفَةٍ إِذَا تُمْنَى و مادر ایشان بایست که آمنه نام داشته باشد چرا که صورت بروزش در مادر است، چنانکه خداوند میفرماید هُوَ الَّذِي يُصَوِّرُكُمْ فِي الْأَرْحَامِ كَيْفَ يَشَاءُ.

پس بعد از آنکه نام پدر و مادر حضرت محمد صلی الله علیه و آله در این دنیا مشخص شد، عرض میکنم که چون اول ما خلق الله اشرف از تمام کاینات است، در ظهور خود نیز باید در اشرف مکان ها و اشرف زبان ها و اشرف قبایل باشد.

از این جهت در سرزمین مبارکی ظهور نمود که آن قطعه ام القرى و قلب زمین بوده و اول ما خلق الله تمامی اراضی است، یعنی تمام زمین از آن گسترش یافت، چنانکه امام باقر علیه السلام در تفسیر آیه إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا مَفْرَمًا: فَأَوَّلُ بَقْعَةٍ خُلِقَتْ مِنَ الْأَرْضِ الْكَعْبَةُ ثُمَّ مَدَّتِ الْأَرْضُ مِنْهَا.

و همچنین بایست که به اشرف زبان ها سخن میگفت، بنابراین در عرب ظاهر شد چرا که زبان عربی اشرف و اکمل تمامی زبان هاست، و در بین قبایل عرب از قریش برخواست چراکه اشرف قبایل عرب بود، و در بین قریش از بنی هاشم و از بنی هاشم از فرزندان عبدالمطلب دنیا آمد تا مخرجش مصطفای کل خلق باشد.

پس دانستیم که اول ما خلق الله باید در ملک ظاهر میشد و مسمی به محمد (صلی الله علیه و آله) میگشت و نام پدرش عبدالله و نام مادرش آمنه میبود، و از مکه با زبان عربی و از نسل عبدالمطلب علیه السلام خارج میشد. و این چنین است تمامی احوال ائمه معصومین علیهم السلام، چرا که امور ایشان نره ای از اعتدال خارج نشده و ظاهر ایشان منطبق بر باطن ایشان است علیهم السلام.

ان شاء الله که به میمنت ولادت با سعادت قطب عالم امکان در عالم ملک، خداوند بر معرفت و محبت

ما نسبت به حضرت ختمی مرتبت صلی الله علیه و آله بیافزاید.